



اول دسمبر 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

مختصری درباره تاریخچه لویه جرگه ها در افغانستان

(بخش چهارم)

(ادامه لویه جرگه 1303 منعقدہ پغمان)

14 - لویه جرگه: قرار نوشته "تمسک القضاة امانیه" بآنستی یکنفر محتسب دیندار عالم در هر علاقه مقرر شود تا از نماز و امامها و مساجد و امورات شرعیه مطلع بوده تحقیقات و تاکیدات لازمه مذهبی را خوبتر به جریان آورده جمیع امورات دینی را از قبیل امر بالمعروف و نهی عن المنکر و تبلیغ اعلانها ملت را با خبری داده باشد و هم حسن توجه شاهانه در باره مساجد و ائمه و موزنین خواستاریم.

اعلیحضرت: این مسئله را نیز سابق علمای تمیز و وزارت عدلیه ما تحت تدقیق آورده درین روزها ما در صدد ترتیب نظامنامه احتساب و تقرر محتسبین با دیانت بودیم، خوب شد از حسن معاونت شما علماء نظامنامه مزبور بیک صورت جامع و مانع ترتیب خواهد شد....

15 - لویه جرگه: ... قرار مسائل مسلمة و روایات مفتی بها فقه شریف بآنستی تعلیم و تحصیل نسوان در خانهای خود از اقارب خود محارم شان باشد تا از آن تعلیم دینی که فرض منصبی ما ملت افغان است، محروم نمانند. بنابراین امید میشود که تعلیم جمعیت نسوان در مکتبها نشود تا مسئله حجاب و ستر که یک فرض ضروریست، برای نسوان اسلامی خوبتر و بهتر حاصل شود.

اعلیحضرت: اگر چه در موضوع تعلیم نسوان گفت و شنید ما و شما قبلاً به پایان رسیده و مفکوره تانرا درین مسئله قبول کرده ام، لاکن باز هم میخواهم که توجه شما علمای اعلام و فضلالی کرام ملت عزیزم را بسوی این نکته مهمه بنمایم که درین مورد باید ما و شما از عقل و فکر و طرز عمل عموم عالم اسلام کار بگیریم و مزید بر آن روا دار نشویم که طبقه انائیه ما در یک عالم جهالت و نادانی و فرومایگی زندگانی کنند. تعلیم طبقه انائیه از حد ضروریست و نباید ما و شما به مخالفت حدیث (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمته) برائیم و نباید بگوئیم که ما افغانیم باید زنان ما از راه خدا و رسول و مبداء و معاد خود بیخبر بوده در یک عالم جهالت و نادانی باشند. بایستی ما برحال آن اطفال خود که تقریباً تا بعمر هشت سالگی در اطراف و جوانب مادر و خواهر و خاله و عمه و دیگر اقارب انائیه خود زندگانی مفیده اولیه خود شانرا بسر میبرند، ترحم کنیم و محض جهت تعلیم و تربیه آن اطفال درین مکتب نخستین که مکتب آغوش مادر گفته میشود، آنها را از مسایل ضروریه مطلع کرده اطفال خود را ازین فیض عموم محروم نداریم. بالای ما و شما لازم است که طبقه نسوان خود را عالم و دانسته و مطلع از فرائض و واجبات و سنن و مندوبات و دیگر ضروریات بنمائیم. تا اولاده ما و شما در همان صغارت که تعلیم آنرا پیغمبر ما (کالنقش فی الحجر) گفته است و اهل سلف همین تعلیم را میگویند: «با شیر اندرون شده با جان بدر شود»، از اخلاق و عادات و اطوار خوب مستفیض و با آداب و صفات خجسته، متحلی [آراسته] شوند. من گاهی طرفدار این امر نبوده و نمیباشم که صبیاتی که قریب به راهقی [بلوغ] باشند، در مکتب آمده تعلیم گیرند بلکه مفکوره و

د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنډي د لېکنيزي بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

نظریه من نظر به مفاد بزرگ و ملحوظات سترگی که به شمه از آن در فوق اشاره شده بود، چنانکه صبیات خورد سال با همه گونه مراعات ستر و پرده در مکتبی که کاملاً محفوظ و مستور است و معاملات آنها نیز نسوانند، آمده تعلیم گیرند. اکنونکه شما علماء میگوئید که خروج صبیات نیز برای تعلیم مستحسن نیست، بالفعل ما درین مفکوره تان با شما محض مراعات شرع شریف متفقیم، اما گمان نمیکنم که دیگر علمای عالم اسلام و فضیلاى هند و سند، مصر، مکه معظمه، مدینه منوره، شام، بیت المقدس، بغداد، بصره، کوفه و ترکیه درین نظریه با شما متفق باشند، زیرا که در هر یکی ازین بلاد معظمه اسلامیة بتعداد غیر واحده مکاتب انائیه موجود است.

این مبحث چنانچه مذکور شد فیصله شده خودم بالفعل بر طبق مفکوره همین حضرات تعلیم صبیات را در خانهای شان امر و اراده میکنم. در میان شما غلط فهمی واقع شده، بحث نکنید. من میخواهم که درین ضمن این علمای محترم را بیک امر دیگر دعوت و تکلیف کنم و آن اینست که باید این حضرات معظم که دعوی خانه نشینی صبیات معصوم و طفل های خورد سال ما را میکنند و ما سمعاً و طاعتاً محض احترام احکام شرع شریف که برای ما درین موضوع از آن نام میبرند، او را قبول میکنیم. در قری و اطراف و قشلاقها بر نسوان نو جوان و دوشیزگان و دیگر زنان کوچی و افغانه کوه نشین و عموم سکنه افغانستان نیز بقوه تبلیغیه و وعظ و نصایح لازمه ستر و حجاب را حتمی و لازمی قرار بدهند و تا لویه جرگه آینده در سرتاسر افغانستان آن ستر و حجابی را که شریعت پاک برای زنان مسلمانان مقرر داشته است، جاری و حکم فرما نمایند. اگر درین باب از حکومت اجازت و تسهیلات بخواهند، دریغ نمی شود. فاما اگر تا بموعد لویه جرگه آینده حجاب و ستر در بین عموم رائج نشد و یا احدی ازین زنان که هر روزه به صدها نفر آنها بی حجابانه بنظر میخورند، دیده شده، بار مسولیت آن به همراه ناغگی به گردن شما حضرات معظم است.

علمای لویه جرگه: ازین تقریر سراپا تاثیر همایونی تحت رقت مزید آمده ازین طرفداری همایونی آثار شادمانی را نشان داده متعهد شدند که حتی الوسع در ترویج ستر و حجاب در بین عموم طبقه انائیه افغانیه به وعظ و نصایح و تبلیغات مذهبی کامیابی حاصل خواهند کرد و تا موقع انعقاد لویه جرگه آینده در سرتاسر افغانستان زنی بی پرده انشاء الله تعالی بنظر نخواهد خورد.

16 - لویه جرگه: اعلیحضرتا! با اینکه سابق برین نیز تعداد ازواج ممنوع نبود و اشخاص صاحب غرض میتوانستند که بشرط مصدق چهار زن را در حباله نکاح خود می آوردند و محصولی را بحکومت می پرداختند. چون به تصدیق مصدق و محصول هم عدالت حقیقی بوجود نمی آید، ما علمای لویه جرگه چنان مناسب می انگاریم که محصول و مصدق دور شود و بر مردیکه بعدالت و مساوات در بین ازواج خود رفتار نکند، مجازات لازمه مقرر شود و هم بر شخصیکه ازواج عارضات خود را با استغاثه نمیگذارد و این مسئله بحکومت بنوع من الانواع ظاهره شود، تعزیر شدید مقرر دارند. همانا که مطلب اصلی همایونی که تالی احکام ربانی و شرع محمدی (ص) است، باصول خوب و از طریق مرغوب بعمل می آید.

اعلیحضرت: خوب است! من این نظریه شما را هم پذیرفتم و نکاح ثانی و ثالث و رابع را الان کماکان مانع نمیشوم. ازین امر و اعطای اختیار باز پرس دوامیکه بحکومت اسلامیة در بابت غور رسی نسوان مظلومه شرعیت داده اید که دایماً مترقب احوال نسوان باشد، کمال امتنان و تشکر را ظاهره کنان مصدق و محصول را الغاء نمودم.

17 - لویه جرگه: تعدیل سه ماده نظامنامه اساسی را خواهانیم: تعدیل ماده (2): دین افغانستان دین مقدس اسلامی "و مذهب رسمی و عمومی آن مذهب حنیفه حنفی" است. دیگر ادیان اهل هنود،

یهودیکه در افغانستان هستند، "به تادیه جزیه و علامات ممیزه تابع بوده" بشرطیکه آسایش و آداب عمومی را اخلال نکنند، نیز تحت تأمین گرفته میشوند؛ تعدیل ماده (9): - کافه تبعه افغانستان " در امور دینی و مذهبی و نظامات سیاستی دولت علیه خود پابند و مقید بوده" آزادی حقوق شخصی خود را مالک هستند؛ تعدیل ماده (24): - شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوف است و خارج " احکام شریف و نظامات دولت که موافق احکام شرعی تنظیم یافته"، برای هیچکس مجازات داده نمیشود. [آنچه داخل ناخنک آمده، تعدیل مواد فوق را نشان میدهد، در ماده 24 متن "خارج نظامنامه جزای عمومی و عسکریه" را حذف و بجای آن متن بین ناخنک را علاوه کردند.]

علیحضرت و لویه جرگه: بسیار خوب شد! ازین تعدیل و توضیح رفع غلط فهمی و رفع رخنه اندازی اعدا شد. ما از مساعیات همایونی تشکر میکنیم.

18 - توصیه و تاکید لویه جرگه برای حکومت: در انتخاب و تقرر مامورین دولتی دقت و تعمق مزیدی بکار برده شود و هر کار به اهل همان کار تفویض و تسلیم شود.

علیحضرت: بسیار خوب است.

لویه جرگه: ما تعلیمات طلبه موجوده افغانی را که بالسنه اجنبی جهت اخذ فنون عالی و تعلیم علوم مروجه حالی مشغولیت دارند، محض بغرض حصول ترقیات حاضره و تعالیات موجوده دنیای امروزه که افغانستان را ما بدان بسیار محتاج و شائق مینگریم، بنظر استحسان نگریده جانشینان ما میشماریم، مشروط بر اینکه در عقیده های متبرکه و اصولات مقدسه دینی این نو باوگان وطنیه ما خلل و نقصانی وارد نگشته بیشتر از رفع احتیاجات خویش در آن تعلیمات مشاغل نوزند و هم در اصول اسلامی و عقائد و روایات مذهبی خود قبلاً کسب اطلاعات نموده باشند.

علیحضرت: بسیار خوب! حکومت شما نیز بتحصیل و تعلیم السنه غیرمسلم را محض برای رفع ضرورت و دفع احتیاجات ملت و مملکت و دولت جانشین می پندارد و بیشتر مترقب و نگران است که در عقائد و اصول دینی این فرزندان افغانیه اسلامی ما خلل و نقصانی بوقوع نه انجامد. برای طلبه مکتب امانیه و امانی که السنه فرانسه و آلمانی می آموزند، در همان مکاتب تعلیمات اسلامی نیز مانند قرانت، دینیات، فارسی، عقاید و حسن خط اسلامی نیز تعلیم داده میشود و نگران و مترقب حرکات و افعال شان اساتذۀ وطنی شان میباشد و برای آن طلبه افغانی که بخارج جهت تعلیم رفته اند، بهمه شما معلوم است که علاوه بر نگرانی وزراء مختار و سفراء افغانی مفتش علیحده و نگران جداگانه و معلمین اسلامی نیز مقرر است تا در اخلاق و عادات شان نقص و سوئی وارد نشود.

لویه جرگه: طوریکه از عهد سلاطین ماضیه تا بدین پنج سالیکه در عصر اسلامیت و مدنیت حصر امانیه خرید و فروش و استعمال شراب که أم الخبائث است، درین مملکت افغانستان دیانت نشان ممنوع و ادخال آن مسدود بوده و هست. در آتیه نیز امید داریم که این چیز اخبت مردار درین مملکت ما جداً خرید و فروش و استعمال نشود.

علیحضرت: شرابخانه و خود شراب و خرید و فروش آن نه قبل برین در دولت مقدس افغانستان بود و نه فی الحال میباشد و در آتیه نیز جداً دخول و استعمال و ابتیاع و اشتراء آنرا مثل سابق درین خاک پاک ممانعت میکنیم.

(آنچه تا اینجا از مصوبات لویه جرگه در موارد هژده گانه نقل گردید، مختصر نکاتی بود که از متن کتاب "رویداد های لویه جرگه دارالسلطنه 1303 گرفته شده و در بعضی موارد متن آن مختصر گردیده و به ذکر اهم آن بسنده شده است. برای شرح مزید دیده شود: صفحات 302 تا 362 کتاب)

از شرح فوق آشکار میشود که اعلیحضرت به دلیل فشارهای وارده از جانب ملاها و مخالفان سلطنت و نیز با آگاهی از تبلیغات وسیع دشمنان افغانستان از بیرون کشور ناچار شد به قبول شرایطی در این لویه جرگه تن دهد که اصلاً تصور نمی شد.

مراحل پایانی لویه جرگه:

وقتی مباحثات روی فقرات هژده گانه فوق به پایان رسید، اعلیحضرت با استفاده از فرصت ضمن ایراد یک بیانیه مبسوط از یکطرف به موضوع تطابق کلیه نظامات دولت بر مبنای شریعت سخن گفت و از طرف دیگر اشاره به مخالفان دولت کرد که باید به جزای اعمال شان برسند. اعلیحضرت گفتار خود را با این جمله آغاز کرد: «الله الحمد هر آنچه که خاطر میخواست، آخر آمد ز پس پرده تقدیر پدید!» و به تعقیب آن چنین فرمود: «خدائیرا شاکریم که درین قدر مدت قلیل اینطور مباحث طویل باتفاق آراء و اتحاد افکار طوریکه سابق برین نه تنها در افغانستان بلکه تقریباً در تمام روی جهان عدیل و نظیر آن دیده نشده است، بپایان رسید و حاجت به مهربانان سفید و سیاه که حاضر کرده بودیم، نیفتاد، زیرا که مقصد همه ما بلندی دین و بهبودی ملت و آبادی مملکت بود. دل دشمنان ترقی و تعالی افغانستان پر خون و چشم های شان ازین اجراءات ما و شما رود جیحون گردیده روسیاه شده خسرالدنیا و الآخره گشتند. انشاء الله که این مجلس برای مادیات و معنویات و ترقیات آتیه ما فوائد عظیم الشانی را بفضل و مرحمت ایزد منان و روحانیت پیغمبر آخرالزمان بوجود می آورد.

الله الحمد که بر رعم اعدای افغانستان و بر خلاف تبلیغات و پروپاگند دشمنان تان در هیچیک قاعده و ماده نظامنامه های دولت متبوعه تان هر چند تحقیق و تدقیق را بکار بردید، مسئله و فقره را که بر خلاف شرع انور باشد، ملاحظه ننمودید و تمام اساس و شالوده حکومت اسلامیة تانرا چنانچه در اول جرگه بشما گفته بودم، بر اساس لایتغیر دین منیف و شرع شریف درک نمودید. آن چند مسئله را که علمای اسبق تمیز از مسائل ضعیفه شرعیه و روایات مرجوحه فقهیه داخل نظامات نموده بودند، نیز از حسن مساعی شما بمسائل قویه و روایات مفتی بها تبدیل یافت.

بلی! اگر بعد ازینکه شما علماء و وکلاء و اعزّه افغانستان تمام نظامات را ورق زدید و بر تمام آن علم آوری نمودید و هیچیک مسئله مندرجه آنرا بر خلاف شرع بیضای احمدی ندیدید، اگر احدی بغرض فساد و القای شقاق و عناد بگوید که نظامنامه خلاف شرع است چون من خودم را خادم شرع می پندارم و سوگند میخورم که بقدر یک سر موی تجاوز و تخالف را از مقررات شرعی نمی پسندم، البته کله او را حکومت شما بگله [مقصد گلوله است] از گفتار بدهنچارش سبک خواهد کرد.

شخصیکه بغرض اصلاح و دلسوزی و معاونت با حکومت بعض لغزش و سهو و خطای را که لازم نوع بشر است و در قوانین حکومتی که مقتبس از کتب معتبره شرعی است، بنگرد رسماً مجلس عالی شورا و یا وکیل منتخبه خود را که در ریاست شورا موجود است، اطلاع بدهد و رأی و نظریه و تنقید و تعدیل خودش را در هر مسئله و فقره باشد، تقدیم کند، البته موجب مسرت و ممنونیت حکومت است.» (متن مکمل بیانیه در کتاب رویداد لویه جرگه... صفحه 340 تا 342)

به قول نویسنده رویداد (برهان الدین خان کشکی): درینجا با اینکه ذات شاهانه کلام خود را به اتمام نرسانیده بودند، اما جوش و خروش لویه جرگه نطق ملوکانه را قطع کرده، متفقاً بعرض رسانیدند:

لویه جرگه: «اعلیحضرت! سروجان و مال ما و ناموس ما و هستی ما فدایت و یک قطره خون ما و تمام ملت قربان رکابت! متسلی و مطمئن باشید که ازین مشوره و مفاهمه و تبادلۀ افکاریکه در بین ذات شاهانه و رعایای صادق اش درین ایام لویه جرگه بعمل آمده است، تمام درد های ما دوا شد و تمام شکایات بالا چشم دشمنان کور شد و زخم دل بدخواهان ناسور! ما بر وجود مسعود تو شاهی

د پانو شمیره: له 4 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

شاکریم که از ابتدای جرگه الی الآن دو دو ساعت و سه سه ساعت بلکه از اول تا آخر به پیشگاه ما خدام آستان و حاجب دربان خویش بپا ایستاده، بیانات میفرمائی و جهت تنویر افکار و روشنی ابصار ما هدایات مینمائی و ما را نمیگذاری که به رسم تعظیم تان از جای خود حرکت کنیم و اوامر و هدایات و نظریات اولی الامرانه خود را به لفظ عرض میکنیم، بما خدام مخاطبه میفرمایند. کسیکه بعد ازین از شما و یا از نظامات شما که تالی احکامات شرع بیضای احدی است، شکایت کند معلوم است که آن مرد نه تنها کفران نعمت کرده بلکه معاونت و تائید معاندین و دشمنان افغانستان را نموده است. اعلیحضرتا! این امر روشن و مبرهن است که سابق برین نیز این افواهات بی سروپائیکه در سرتا سر افغانستان طنین انداز بود و یا بعد ازین شود، همانا که از طرف خائنین داخلیه است و یا به واسطه تحریک سرانگشت خارج. هر کدام ازین دو فریق که رهسپار این طریق شوند و یا هر کسیکه این کلمات را ورد زبان نماید، ضرور باید وی به کیفر کردارش بدارسیاست کشیده شود.»

همچنان علمای لویه جرگه معروض داشتند: «اعلیحضرتا! الحق که ما در نظامات دولتی هیچیک امری را که خارج از دایره شرع انور باشد، ندیده ایم و آن مسائل ضعیف و روایات مرجوحه را که ما اصلاح و تعدیل نموده ایم نیز از دایره شرع شریف خارج نمی انگاریم. پس هرکسیکه در مقررات شرعیه ناخن زنی کند، برای مجازات آن خود شهریار جهان درجات از حبس الی قتل سیاستاً مخیر و مختارند و ما جداً چنانچه مکرراً اظهار و اقرار داشته ایم، برای امثال این رجال سراپا وبال که مقصد شان شقاق و نفاق در بین امت ناجیه محمدیه (ص) است، ذات جهانبانی را دعوت به مجازات شدید آن میدهیم.»

در جواب آنها اعلیحضرت فرمودند: «نی! مطلقاً ما خواهش نداریم که احدی چیزی نگوید، بلکه هر مردیکه بغرض اصلاح و تعدیل چیزی بگوید، اول وکیل منتخبه مملکتش که در ریاست شورای است، دوم رئیس صاحب شوری در هر وقت و هر زمان حاضر است که آن نظریه اصلاحیه اش را به کمال امتنان بشنود تا اگر نظریه درست قابل قبول باشد، منظور شود و اگر درست نبود او را به دلایل قانع نماید. اما شخصیکه از نقطه نظر فساد و شقاق افگنی و عناد پروپاگند و تبلیغات بیجا نماید، حکومت او را به مجازاتیکه شرع شریف میفرماید، دعوت کند.»

در اینجا اعضای لویه جرگه تأکید کردند که: «ضرور باید اینچنین اشخاص مفسد و متعرض و منافق و شیطان منش را حکومت متبوعه افغانی ما به مجازاتیکه کمتر از نفی بلد و حبس دوام و اعدام باشد، یاد آوری نفرمایند. ما درین موضوع اعلانی را هم تسوید نموده تماماً آنرا با امضای خود تصدیق کرده خواهشمندیم تا آنرا ذات ستوده صفات پادشاهی نیز استماع ورزیده متعاباً بدستخط انجم نقطه شاهانه خویش او را تزئین داده امر انتشارش را بدهند.» (کتاب: رویداد لویه جرگه... صفحه 342 تا 346)

اعضای لویه جرگه در ادامه، موضوع انعقاد لویه جرگه را مطرح ساختند و معروض داشتند که: نظر به مشکلات سفر اگر لویه جرگه هر پنج سال یک بار منعقد شود و برخی گفتند که دو سال بدو سال و عموماً استدعا نمودند که نی سه سال بسه سال؛ اما اعلیحضرت فرمودند: «به خیالم که لویه جرگه باید بدون ضرورت سه سال بسه سال منعقد شود، بهتر است زیرا دو سال بعد یک موعده نزدیک است و پنجسال به پنجسال بسیار مدت مدید و سه سال بسه سال بفحوای خیر الامور اوسطها نهایت مودون است.»؛ این نظر مورد تائید همه قرار گرفت. (شرح مزید: کتاب "رویداد... صفحه 351 تا 353)

اعلیحضرت ضمناً از وکلای لویه جرگه خواستند به چند چیز توجه جدی مبذول دارند و فرمودند: «که در آن هیچ فکر کردن لازم نیست و اجرای آن حتمی و لازمست:

یکی - آنکه بچه های خویش را بسوی علوم و فنون تشویق بدهید، چرا که خود میدانید ترقیات دینی و دنیوی ما وابسته به علم است که "بیعلم نتوان خدا را شناخت"، میباید در هر نقطه و هر جائیکه باشید اولاد های تان در آنجا درس بخوانند و فنون لازمه را بیاموزند و بدین الفاظ مختصر که من بحضور شما عرض کردم بیشتر بیشتر تا که میتوانید در تعلیمات اولاد و عائله خود بکوشید در هر جای که رفتید از طرف من وکیل هستید که این توصیه ام را بعموم ملت مابلاغ دارید؛

دیگرتأکید بر پوشیدن البسه وطنی است. درین جرگه من بسیار لحاظ شما را کرده ام! زیرا هر کدام تان تکهای [تکه های] خارجی را پوشیده آمده اید. حالآنکه من از مدتی این شیوه رامحض ترغیب اهالی بسوی تکه های ساخته و بافته شده مملکت افغانیه اختیار نموده ام که بدست خود البسه مامورین دولت تان بجز از تکهای صاف و پاکیزه وطن مقدس تان، دیگر چیزیرا نپوشیده اند. درین خصوص از اشخاص هراتی و ترکستانی که تکهای ساخته و بافته وطنی خود را پوشیده آمده اند، تشکر میکنم. اگر هرکدام تان از هر جای که آمده اید، تکه همانجا را پوشیده می آمدید، چقدر خوب میشد که هم نمونه تکهای هر ولایت افغانستان را بما نشان میدادید و هم خیلی از شما خوش میشدم. باید در لویه جرگه آینده همه تان لباسهای وطنی خود ها را پوشیده، بیائید..... ازینرو درین مسئله مهمه نیز شما را از طرف خود وکیل میگیرم که کوشش کنید و تمام ملت را ترغیب بدهید در هر جای که باشند، تکهای بافته وطن خود را بپوشند... و پوشیدن تکهای وطنی نیز برای اقتصاد ما سودمند است». ضمناً اعلیحضرت بر اهمیت انکشاف صنایع تأکید کرد و از تدوین یک نظامنامه دراین راستا یادآور شد. درپایان فرمود: «الحمد لله همه فقراتیکه درین مجلس مطرح مذاکره گردید، بدون قیل و قال و گفت و شنید بسیار صورت خوبی را انجام گرفت و جای شکر است بهمان طریق که یکی بودیم و یکی هستیم و بجز از ترقی دین و دولت و ملت خود هیچ آرزوی نداریم.» (شرح مزید در کتاب: رویداد... 354 تا 362)

ابراز امتنان اعضای لویه جرگه:

روز دوشنبه 6 اسد برای امضای تعدیلات و مصوبات اختصاص یافته بود که همه اعضای لویه جرگه باید در پای اسناد مرتبه امضاء و مهرنمایند و فردای آن روز وداع عمومی و رسمی تعیین گردید و دراین روزاعضای لویه جرگه در مجموع جهت امتنان از اشتراک در لویه جرگه و الطاف پادشاه معروضه خویش را بحضور اعلیحضرت قرائت کردند، به این عبارات: «به توجه شریعت پروری شهریار ذی اقتدار غازی مان اعلیحضرت امیر المومنین امان الله خان تولواک افغانستان خلد الله ملکه مجلس لویه جرگه که عبارت از علماء و سادات و مشائخ عظام و وکلاء و روساء کرام کل مملکت محروسه مان افغانستان بغرض تحقیق و تدقیق در امور شرعیه حنفیه و مسائل جزئییه و کلیه فقهیه مطهره و انجاح و بهبود مهمات ملکیه و سیاسیه در مرکز دولت علیه متبوعه مان دارالسلطنه کابل تحت ریاست اعلیحضرت پادشاه غازی معظم مان منعقد گردیده و در تحت نظر غور و تدقیق مجلس عالی لویه جرگه درآمد، مخصوصاً مهمات شرعیه مبارکه که در نظامات دولت دخل داده شده بود، از نظر عموم ما علما و مشائخ لویه جرگه گذارش یافت. ما خادمان و پیروان دین مبین متین اسلام فرمایشات و نیات و نظریات پادشاه محبوب القلوب خود مان را یگان یگان بگوش خود ها شنیده و بچشم خود ها مشاهده نموده قلباً احساس کردیم که عموم نظامات موضوعه دولت مستند بر اساس شریعت غرای محمدی (ص) و اجرای احکام قرآن مطابق مذهب مذهب حنفی بوده و هست و میباید و بعضی روایات ضعیفه که در نظامات دولت مطابق آرا و فتوای علمای مرکزیه قبلاً فتوی داده شده در محل اجرا آمده بود، آن گونه مسائل نتیجه روایات ضعیفه بود که از طرف علماء تجویز گردیده بود و ما علمای لویه جرگه آن مسایل را مطابق احکام شرعیه حنفیه و روایات قویه فقهیه اصلاح نمودیم که

د پانوی شمیره: له 6 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

هیچگونه شبهه در قلب و خاطرهای عموم ما علمای افغانی باقی نمانده و مسائل مشتبه را در ذیل اعلان هذا تذکار نمودیم تا باعث اطمینان کلیه خاطر ها و قلوب عموم اسلامیان شود و ما علماء، سادات، مشائخ، وکلاء، روساء و عموم برادران دین و اسلامی خود مان را اخبار مینمائیم که هر فردیکه بر خلاف حکومت و دولت معظمه و یا نظامات موضوعه دولت علیه مان به تشبثات خائنانه و یا غرضات شخصیه بالذات و یا تحریکاً اقدام نماید، اولی الامر در اجرای هر گونه مجازات از حبس و ضرب و نفی الی اعدام در باره اش شرعاً مأذون و مختار است و ما عموم علماء، سادات، مشائخ، روساء و وکلاء برای رفع و دفع آنگونه خائنان که لکه در تاریخ حیات باشان و شرف ما افغانیان میگذارند، بهر گونه فداکاری حاضر و آماده بودیم و هستیم و میباشیم.»

در پایان این بیانیه اعضای لویه جرگه چهار مقصد آتی را پیشنهاد کردند و از حضور اعلیحضرت خواهش قبولی آنرا نمودند:

1 - تحفه دعاست از طرف ما داعیان دین و دولت اسلامی که الهی بعزت بزرگی خود و حرمت روح پرفتوح حضرت خاتم النبیین صلعم، سلطنت اسلامیه غیوره افغانستان را بزیر لوای شریعت غرای محمدیه و امر اولی الامر معظم مان المجاهد فی سبیل الله الغازی امان الله خان از جمیع دست برد حوادث اجانب و اغتشاشات و اضطرابات داخلی مصون و مامون داشته همه وقت مشفق و متحدمان بدارد. آمین یا رب العلمین.

2 - بیادگار انعقاد این مجلس اسلامیه عالیه لویه جرگه یک نشان دیشان توثیق عهد است موسوم به "لویه جرگه" را برای حسن خدمت در راه شریعت و مملکت که اولی الامر غازی مان ابراز فرموده اند، از طرف ملت صادقاً شاهانه شان تقدیم مینماید تا که ذات شاهانه هر زمان که نشان موصوف را بسینه بی کینه مبارک خویش نصب نمایند، یادگار خدمات مجاهدانه شاهانه شان در راه دین و دولت و مظهر اطاعت و صداقت و وفاداری و عهد ما نسبت ذات شاهانه بوده سبب شرف و افتخار ما باشد. علاوه لویه جرگه یک میل تفنگ و یک قبضه شمشیر را نیز بحضور مبارک تقدیم مینماید تا ذات شاهانه برای حفظ دین و منافع مملکت مقدسه اسلامیه بمقابل غاصبین حقوق بشریت و انسانیت به استعمال آن شرف اسلامی و شجاعت افغانیت را ابراز نمایند.

3 - چون لفظ امیر در شریعت و در عرف گاه برای شخصیکه زیر حکم پادشاه باشد مثل امیر عسکر و امیر الجیش و امیر السریه و گاه در باره پادشاه کلان که زیر حکم دیگر نباشد، مثل امیر المؤمنین استعمال میشود، جهت دفع این توهم که آیا دولت ما زیر حکم است، خدا نخواهد الحمدلله سلطنت افغانستان دارای استقلال داخلی و خارجی بوده یک دولت معظم و مستقل آزاد است، لهذا ما ملت افغانستان امید و اریم که لفظ امیر بلفظ امیر المؤمنین (تول واک) که پادشاه گفته شود، تبدیل یافته عموم ملت افغانستان بعوض الغازی امیر امان الله، الغازی امیر المؤمنین تول واک امان الله بگویند.

4 - چونکه اعلیحضرت پدر شهید سعید و اعلیحضرت جد امجد مرحوم شما از طرف ملت به القاب سراج الملت و الدین و ضیاء الملت والدین ملقب بودند، "لویه جرگه" تمنا میکند که اعلیحضرت غازی مان ملقب "سیف الملت والدین" شوند و این لقب را از طرف لویه جرگه قبول فرمایند.

اعلیحضرت در برابر این چهار خواهش اعضای لویه جرگه فرمودند: «این چهار چیز را که برایم پیش میکنید، در جواب هر کدام آن یکایک عرض میکنم: دعای را که برای آبادی ملت و مملکت خود بعمر من عاجز کرده اید، حق تعالی قبول بگرداند و خداوند اینطور عمر مرا ندهد که بی آسائش شما یک نفس بکشم. خدایا! مرا توفیق اینطور خدمتها را بدهی که در عمر خود ترقیاتی را حاصل کنم تا عالم اسلام و قوم من در آسائش باشد. اگر من زنده باشم یا نباشم، شما ملت عزیزم که مرا بدین نظر

لطف و مرحمت می بینید و باینطور یک نشان ذیشان که در تمام دنیا هیچیک ملت برای پادشاه خود نداده است، ممتاز و سر فرازم میسازید، تشکر میکنم. اما نشان را چکنم! بس است نشان بهبودیها و ترقیات شما که بر دل من است، نه تنها در حیات من بلکه در زیر خاک هم بر سینه من این نشان شما خواهد بود. پیشتر عرض کردم "جنونی گر کنم ای صاحبان عقل معذورم"، اگر چه از ادب دور است، اما معذورم دارید. بعضی از شما خواهید گفت که نشان ما را از بی پروائی و بی اعتنائی قبول نمیکند، نی! تاجی را که شما ملت بخاندان ما از یک خوشه گندم داده اید و تا به امروز اولاده همان خاندان سلطنت کرده اند، بر آن فخر میکنند. فقط بشرف عسکری خود سوگند میخورم، خدماتی را که برای شما آرزو دارم، هزار یک آنرا تا هنوز نکرده ام. هر وقت که خدمتی بشما ملت و این مملکت خود کردم باز خود میگویم که مستحق فلان نشان هستم. حال محبت شما برای من نشان است والله اگر این نشان از یک آفتاب مجلل میبود، آنقدر خوش نمیشدم که ازین جوش و خروش شما امروز خوش شدم.

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهانرا چکند

من دیوانه ترقیات شما هستم. من مجنون تعالیات تان میباشم. والله بذات اقدس الهی قسم است که دیگر آرزوی ندارم، مهربانی کرده مرا از گرفتن نشان معاف کنید و بچشمهای گریه پر و اشک ریزم نظر کرده، اضافه برین تکلیف گرفتن او را بمن نکنید. اگر چه از ادب دور است، لکن من بشرف عسکری خویش که خود را یکفرد عسکر میدانم، قسم خوردم که درین اظهار ناز و تکلف نمی نمایم.

آمدیم بلقی که لویه جرگه بمن ارزانی میفرماید، آیا بنام من عاجز اسم حضرت الهی شامل باشد، خوب است و بدان خورسند و ممنون باشم و یا به "سیف"؟ در وقتیکه من طفل بودم و هیچ فکر به امن و امان نبود، نامم از زبان جد امجد "امان الله" نهاده شده است، دیگر لقبی را که خداوند از لطف و مرحمت خود به من مهربانی فرموده "غازی" است. در اول سلطنت، من نیز بقبول نمودن "شمس الملت و الدین" و "سیف الملت و الدین" تکلیف شدم، اما گفتم که قبول کرده نمیتوانم. خدمت شما صادقانه عرض میکنم که "امان الله" خدمتگذار شما و خادم اسلام است! و خیلی دوست دارم که تا آخر عمر خود بنام "بنده عاجز الله" یاد شوم و در خاک "الله، الله" گفته بروم. تنها این لقب غازی را که خدا بمن اعطا و ارزانی فرموده است، کفایت میکند. اگر شما میگوئید که اعلیحضرت امیر مرحوم و اعلیحضرت شهید چرا القاب را قبول کرده بودند، عرض میکنم. البته آنها آنرا لازم دیده باشند، خودم هیچیک خدمتی نکرده ام که تقدیر کرده شود و یا سزاوار این نام باشم. باز اگر خدمتی کرده باشم بمقابل آن امروز این صدا های ملت که از هر گوشه و کنار بگوשמ میرسد، کفایت میکند. تشکر میکنم این بار گران را بگردنم نیندازید.

جوهر مرد به تقلید نگردد حاصل مخترع شو که دیگرها بتو تقلید کنند

من نمیخواهم که در هرکار تقلید کنم، فقط در اسلامیت تقلید میکنم و بس! همین قدر که گفتید کافی است. آنچه در باب امیرالمؤمنین غازی امان الله تولواک فرمودید، خوب میدانم که در افغانی تولواک گل اختیار را میگویند. هر وقتیکه زبان افغانی [پشتو] بهمه نقاط مملکت افغانستان و در بین مامورین ما رواج یافت، البته خودم نیز بقبول کردن آن حاضرم.

امیرالمؤمنین: آیا خلفای راشده (رض) امیر گفته نمیشوند؟ میشوند! آیا آنحضرات بزیر حمایه احدی بودند؟ نی! خاندان ما بهمین دلیل امیر یاد شده اند. حالا شما مختارید که این خادم اسلام را "امیر" میگوئید یا "امیر المجاهدین" یا "امیر غازی" یا "خادم اسلام" هر چه بگوئید خوب است. هیچ پروائی ندارم. اینهمه از محبت شما است، لکن خودم خود را نسبت بشما خوب میشناسم. بخیال من اگر مرا "امیر امان

الله" بگوئید خوب است تا زمانیکه یک خدمت شایان تقدیر و قابل تحسین برای شما ملت و عالم اسلام ابراز کنم. فقط وقار و عزتم در آبادی و بهبودی شما است و بس!

نه از دنیا غمی دارم که عقبی است در پیشم جنون خدمت خویشم، ازین پس کوچه ها دورم

در خصوص شمشیر: قانوناً و شرعاً و عقلاً شما را ملامت میکنم و قبول کرده نمیتوانم، چرا این شمشیر شما از طلاست و بعضی دانه های الماس هم دارد. فقط برای پاس خاطر و خوشنودی تان همین تفنگ را قبول میکنم و با شما عهد میکنم که در اثنای محاربه اگر سرم برود، در پهلوئی این تفنگ خواهد بود. تا اولاً سر خود را در راه خدمات شما ملت ندهم، این تفنگ را بدشمنان نخواهم داد.

باقی چیزهای شما را منظور میگردم، لکن بنابر دلائلی که عرض کردم، قبول کرده نمیتوانم. باقی خاتمه کلام خود را بدعای ترقی و تعالی عالم اسلام مخصوصاً افغانستان نموده میگویم (الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله الله اکبر الله اکبر و لله الحمد)

با آنکه اعضای لویه جرگه چند بار خواهش خویش را مکرراً بیان کردند و اما اعلیحضرت با ابراز ممنونیت از آنها و با این سخنان مجلس لویه جرگه را پایان بخشید: «عزیزانم! پیشتر گفتم اگر چه خلاف ادب و خلاف تعظیم است، بیخودانه عرض میکنم که علاوه برین نمیخواهم درین خصوص مرا تکلیف دهید و یا چیزی بگوئید. من آرزوی بهبودی و ترقیات شما را که برای این خادم تان نشان حقیقی است، دارم. درینوقت همین حسیات صادقانه و کلمات اخلاصمندان شما را برای من، نشان بلکه بالاتر از آن است، زیاده تکلیف ام ندهید. باقی همه شما را امروز رسماً وداع میکنم و از خدای خود امید دارم که در آینده روشن کننده افکار عموم افغانستان و عالم اسلام، شما باشید و از افکار عالی شما عموم عالم اسلام علی الخصوص افغانستان ترقیات فوق العاده را که در آن رضا و خوشنودی حضرت الهی باشد، بدست بیاورد. غیر خوشنودی حضرت الهی دیگر چیزی را نمیخواهم، شما را به خدا سپردم تا بخیر و عافیت به خانه های خود بروید.»

اعضای لویه جرگه با این دعائیه که: «شما را هم به خدا می سپاریم. دشمنانت در هر دو جهان خوار و مضطر [بیچاره] باد برب العباد!» (برای شرح مزید درباره مراتب امتنانبه لویه جرگه و همچنان ارائه چهار خواهش فوق الذکر و اصرار اعضای لویه جرگه بر قبولی آن از طرف اعلیحضرت، دیده شود کتاب: "رویداد... از صفحه 406 تا 418)

با این ترتیب رویداد لویه جرگه مهم و تاریخی افغانستان بتاريخ 9 اسد 1303 به پایان رسید که شرح مختصر آن فوقاً تقدیم گردید.

(ادامه دارد)